

ماندگار

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.

f in t You Tube www.azizibank.af 1515

ارزگان والي:

طالبان غواړي ارزگان

د خپل مرکز په توگه وټاکي



د ارزگان چارواکي وايي، وسله وال طالبان غواړي ارزگان تر خپل کنترول لاندې راولي او گاونډيو ولايتونو ته لاسونه وغځوي کړي. د ارزگان والي محمد نذير خروټي د یکشنبې په ورځ ازادي راډيو سره په يوه ځانگړي مرکه کې وويل، ارزگان چې د افغانستان مرکزي ولايت دی، ځکه نو وسله وال طالبان غواړي چې دغه ولايت د خپل مرکز...

ادامه صفحه ۶

رییس کمیسیون انتخابات:

اجازة مداخلة نمی دهیم

صفحه ۶



کابل در واکنش به مسدود ماندن گذرگاه های مرزی با پاکستان:

از پاکستان به سازمان تجارت جهانی شکایت می کنیم

دولت و مردم افغانستان استفاده می کند. پس از عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی، این اولین باری خواهد بود که افغانستان رسماً از پاکستان به دلیل مسدود کردن بندرش، شکایت درخ خواهد کرد. سازمان تجارت جهانی معضلات تجاری کشورهای را که باهم مشکل دارند بررسی می کند. از سوی دیگر، آقای حقجو گفت که او با عمر زاخیل وال سفیر افغانستان در پاکستان صحبت کرده و قرار وعده یی که مقام های پاکستانی به آقای زاخیلوال داده اند تا سه روز دیگر تجارت در بنادر روال عادی خود را از سر می گیرد. حقجو می گوید که استفاده از بنادر تجارتی به مقاصد سیاسی خلاف قوانین تجارت جهانی می باشد و پاکستان در آینده نیز باید از این اقدامات خود دست بردارد. افغانستان اواسط سال جاری خورشیدی، عضویت کامل سازمان تجارت جهانی را به دست آورد.

اتاق تجارت بین المللی در افغانستان کی د نړیوال سازمان تجارت جهانی



وزارت تجارت افغانستان اعلام کرد که از پاکستان به دلیل مسدود کردن بندرش به سازمان تجارت جهانی رسماً شکایت می کند. قربان حقجو معین تجارتی وزارت صنایع افغانستان روز یک شنبه (۸ حوت) در کابل گفت، این وزارت در حال جمع آوری اسناد است تا از پاکستان رسماً به سازمان تجارت جهانی شکایت درج کند. پاکستان از دو هفته به این طرف مرزهای خود را بر روی عبور

یونیسف:

تلفات کودکان در نبردهای مسلحانه افغانستان ۲۴ درصد افزایش داشته است



تلفات کودکان در نبردهای مسلحانه افغانستان ۲۴ درصد افزایش داشته است. همچنان گزارش شده که یکی از سه قربانی غیرنظامی منازعات مسلحانه، یک نفر اطفال بوده است. عزیز فروتن مسوول مطبوعات...

ادامه صفحه ۳

یک زن از سوی شوهرش در بغلان کشته شد



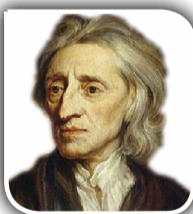
مسوولان ریاست امور زنان بغلان می گویند، این مرد خانمش را شب گذشته در خانه خفه کرده است. خدیجه یقین، رییس امور زنان بغلان می گوید، شوهر این زن باشنده منطقه «قول کرکر» شهر پلخمری و نگهبان خانه امن این ولایت می باشد. به گفته مسوولان ریاست زنان بغلان، این زن پنج کودک دارد. ذبیح الله شجاع، آمر بخش...

ادامه صفحه ۶

در برگ ها



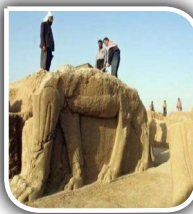
تغییر نظام:
یک خواست
افغانستان
شمول



لاک
وضع
طبیعی



نقدی بر
رمان "مسخ"
اثر کافکا



یونسکو:
داعش به میراث
فرهنگی عراق
ضربه مهلک زده
است

احمد عمران



سازمان‌های سیاسی در صورت نهادمند شدن، مصالح مردم را پی‌گیری می‌کنند؛ چرا که مردم با اعتماد به نهادها از رهگذر انحطاط مقاوم‌های فرهنگی و صرف نظر از گروه‌بندی‌های اقتصادی و اجتماعی، مطالبات خود از نظام سیاسی را از طریق نهادهای سیاسی نوین پی‌گیری می‌کنند. این پروفیسور آمریکایی با تأکید بر وجوه چندگانه نوسازی معتقد است:

نوسازی اجتماعی بدون اهتمام دولت به مشارکت و نوسازی سیاسی، به تباهی سیاسی منجر می‌شود. نخبه‌گان سیاسی سنتی در تلاش برای حفظ قدرت، نخبه‌گان سیاسی جدید را در برابر خود می‌بینند.

تغییر نظام؛ یک خواست نستان افغا شمول

معتقد است: نوسازی جامعه، مستلزم رشد و تکثر نیروهای اجتماعی است. در جوامع در حال نوسازی، عدم وجود نهادهای سیاسی نوین در کنار واپس ماندن دولت از رشد جامعه، زمینه بروز ناستواری سیاسی از طریق کودتا و انقلاب را فراهم می‌سازد. هانتینگتون ویژه‌گی‌های نهادمندی سیاسی را می‌داند و بیان می‌دارد که در فرایند نهادمند شدن سازمان‌ها و شیوه‌های عمل، آن‌ها واجد ارزش و ثبات می‌شوند.

سازمان‌های سیاسی در صورت نهادمند شدن، مصالح مردم را پی‌گیری می‌کنند؛ چرا که مردم با اعتماد به نهادها از رهگذر انحطاط مقاوم‌های فرهنگی و صرف نظر از گروه‌بندی‌های اقتصادی و اجتماعی، مطالبات خود از نظام سیاسی را از طریق نهادهای سیاسی نوین پی‌گیری می‌کنند. این پروفیسور آمریکایی با تأکید بر وجوه چندگانه نوسازی معتقد است: نوسازی اجتماعی بدون اهتمام دولت به مشارکت و نوسازی سیاسی، به تباهی سیاسی منجر می‌شود. نخبه‌گان سیاسی سنتی در تلاش برای حفظ قدرت، نخبه‌گان سیاسی جدید را در برابر خود می‌بینند. او بروز درگیری بین سیاست‌مداران و دیوان‌سالاران، روشن‌فکران و سربازان، رهبران کارگری و بازرگانان به عنوان نخبه‌گان جدید را از عوارض نوسازی می‌داند.

هانتینگتون خشونت را حاصل استعمار و ناهمگونی قومی می‌داند. همچنان که او نوسازی و پیامدهای آن، شامل خواست تحرک اجتماعی در عین فراهم نبودن امکان تحرک، نابرابری سیاسی و اقتصادی، فساد ناشی از پی‌گیری منافع فردی خارج از نهادهای سیاسی نهادمند، را نیز پدیدآور خشونت می‌داند.

این‌ها رؤس اصلی مسایلی‌اند که هانتینگتون در کتاب خود آن‌ها را بررسی می‌کند. پس بر این اساس می‌توان گفت که تغییر نظام سیاسی می‌تواند به عنوان یک خواست جمعی مطرح باشد. آقای غنی و مشاوران او نیز خوب است در این خصوص مطالعات لازم را انجام دهند و آن‌گاه بیانند و از نظام متمرکز فعلی دفاع کنند. درحالی‌که همین چندی پیش، فرانتز مایکل میلیسن سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان نیز گفته بود که تمرکز بیش از حد قدرت، نهادینه‌سازی دموکراسی محلی در این کشور را با مشکل مواجه می‌کند.

غیرمتمرکز باشد؛ زیرا چنین نظامی دست او را در اجرای بسیاری از کارها می‌بندد. دولت وحدت ملی متعهد به تغییر در قانون اساسی و به تبع آن، تغییر در نظام سیاسی کشور است. این خواست یک فرد و یا یک گروه نیست، بل یکی از تعهداتی است که در توافق‌نامه سیاسی تصریح شده است. حالا این‌که چگونه این مسأله حالت اجرایی پیدا می‌کند، بحثی جداگانه است که به مکانیسم‌ها و شیوه‌های مشخص نیاز دارد. قدرت چیزی نیست که انسان را به خود وابسته نکند. بسیاری از اندیشمندان علم سیاست معتقد اند که قدرت، لذت لذت‌هاست. رییس‌جمهوری وقتی حمایت خود از نظام متمرکز را اعلام می‌کند، دقیقاً از خواست‌های خود به عنوان یک فرد سخن می‌گوید و نه بیشتر. کارآیی نظام وقتی معنا پیدا می‌کند که اکثریت مردم از آن راضی باشند و نه این‌که فقط یک شخص به دلیل این‌که کل قدرت را در انحصار خود دارد، از آن حمایت کند.

زمانی سامویل هانتینگتون برای بررسی کارآیی نظام‌های سیاسی، کتاب معروفی نوشت به نام "سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی" که به فارسی نیز برگردان شده است. آقای هانتینگتون در این کتاب که در زمان حیات کشورهای سوسیالیستی و به‌ویژه اتحاد جماهیر شوروی آن را نوشته است، با مقایسه دو نظام سیاسی که در امریکا و شوروی پیشین بر سر قدرت بودند، معتقد است که هر دو نظام به یک میزان از کارآیی سیاسی برخوردارند؛ زیرا به باور او توانسته‌اند اکثریت کسانی را که در ظل این حاکمیت‌ها زیسته‌اند، راضی نگه دارند. او به چنین اتفاقی، سامان سیاسی در یک کشور نام می‌گذارد، سوای این‌که نظام سیاسی بر سر قدرت چگونه نظامی است.

آقای هانتینگتون مهم‌ترین شکاف میان کشورها را ناشی از میزان کارایی حکومت‌های آن‌ها و میزان برخورداری از ثبات سیاسی می‌داند. وی نابسامانی سیاسی را ناشی از ظهور گروه‌های اجتماعی جدید در عرصه سیاست در نتیجه دگرگونی اجتماعی می‌داند. عدم وجود نهادهای سیاسی جهت سازمان‌دهی خواست مشارکت سیاسی این گروه‌ها، منجر به نابسامانی سیاسی در این کشورها می‌شود.

هانتینگتون با نقد قایلان به این‌که پس از رشد اقتصادی، رشد سیاسی از راه می‌رسد؛ مسأله اصلی کشورهای در حال رشد را فقدان اقتدار سیاسی و نبود آزادی می‌داند. او

این روزها پس از سخنان اخیر رییس‌جمهوری در حمایت از نظام متمرکز فعلی، بحث‌های زیادی در این خصوص میان اشراف مختلف جامعه بالا گرفته است. مشاور ارشد رییس‌جمهوری نیز به رسانه‌ها گفته که اشرف‌غنی به نظام متمرکز قوی معتقد است. به گفته او، "رییس‌جمهور افغانستان معتقد است، تا زمانی که نهادهای قوی ملی و با ثبات در این کشور به وجود نیایند، تغییر نظام درد مردم را دوا نمی‌کند." اما بحث تغییر نظام، بحث امروز و دیروز جامعه افغانستان نیست. این بحث از زمان تدوین قانون اساسی کشور مطرح بوده و همواره به شکل‌های مختلف، گاه به صورت جدی و گاه به صورت تلویحی، مطرح شده است. مشکل این‌جاست که حلقه اصلی قدرت در کشور که عمدتاً در ارگ ریاست جمهوری تمرکز یافته، مانع ایجاد بحث‌های جدی و استدلالی در این خصوص می‌شود. رؤسای جمهوری افغانستان وقتی بر سر قدرت اند، از نظام متمرکز حمایت می‌کنند و همین که از قدرت کنار می‌روند، به منتقد نظام سیاسی کشور تبدیل می‌شوند. حامد کرزی در دوران زمام‌داری خود، هر وقت با مسأله تغییر نظام به عنوان یک پیشنهاد روبه‌رو می‌شد، با عصبانیت اعلام می‌کرد که "افغانستان آزمایشگاه نظام‌های سیاسی نیست!" اما همین که از قدرت کنار رفت، خود یکی از منتقدان نظام متمرکز ریاستی شد. رییس‌جمهور غنی نیز از چنین وضعیتی مستثنا نیست. او نیز وقتی تمرکز قدرت را در دست‌های خود احساس می‌کند، بیشتر رضایت نشان می‌دهد تا این‌که قدرت کمتری به او تعلق گیرد.

از جانب دیگر، موضوع تغییر نظام، موضوعی نیست که رییس‌جمهوری در مورد آن تصمیم بگیرد. اگر قرار باشد که رؤسای جمهوری افغانستان در مورد نظام تصمیم‌گیری کنند، به دلیل بافتار خاص و عجیب قدرت در کشور، از آن‌ها خودکامه‌هایی تمام‌عیار ساخته می‌شود که به هیچ صورت خواهان کنار رفتن از مسند قدرت نخواهند بود. مگر حامد کرزی رییس‌جمهوری پیشین، با تمام توش و توان خود تلاش نورزید که به شکلی انتخابات در افغانستان را غیرعملی نشان دهد و همچنان در کرسی ریاست‌جمهوری باقی بماند.

امروز شاید آقای کرزی خوش نداشته باشد که خاطرات آن سال‌ها را مرور کند، ولی به هزار دلیل می‌توان ثابت کرد که او تا آخرین لحظه حاضر به تسلیم دادن قدرت نبوده است. آقای غنی نیز چنین است و نمی‌خواهد که به‌ساده‌گی از قدرت چشم‌پوشی کند. او حق دارد که مخالف نظام

سخن ماندگار

انسداد تورخم؛

شکست طلسم سیادت تجاری پاکستان

بیش از ده روز است که مرزها و بنادر تجاری پاکستان به روی افغانستان مسدود شده است. این مسدودیت، خسارات اقتصادی قابل توجهی را بر بازرگانان هر دو سوی مرز وارد کرده و از این رهگذر، تغییر محسوس و ظریفی را نیز بر قیمت برخی مواد که اکثراً از مسیر پاکستان به افغانستان ترانزیت می‌شوند، وارد آورده است.

اما آنچه از واری این اقدام و خیر ناخوشایند، قابل مشاهده و بررسی است، اهمیت راهیابی یافتن افغانستان از بنادر پاکستان و مسیر ترانزیتی این کشور - به دلیل سابقه سوء تنش‌ها و درگیری‌های سیاسی و مرزی و تکرار هرازگاه آن - است.

در مورد اخیر، مرز میان دو کشور و بنادر تجاری آن، زمانی مسدود شد که حمله انتحاری دهشتناکی بر زیارتگاه لعل‌شهباز پاکستان صورت گرفت و نزدیک به صد کشته و زخمی برجا گذاشت. متعاقب این حمله، انگشت اتهام پاکستان به سمت افغانستان نشانه رفت و ادعا شد که تروریستان از خاک این کشور علیه پاکستان دسیسه اجرا می‌کنند. مسلماً این رویکردی دیرینه در روابط پرتنش دو کشور است؛ شکایت و اتهام‌زنی متقابل در هنگام وقوع حوادث تروریستی و پس از آن، تحریم‌ها و تهدیدهای اقتصادی و نظامی علیه یکدیگر.

باید دانست که هم‌اکنون ۶۰ درصد نیازهای بازرگانی افغانستان، از مسیر پاکستان و بنادر تجاری این کشور تأمین می‌شود و این میزان از وابسته‌گی، آن‌هم به کشوری که اولاً طمع سیاسی و نظامی و آرزوی تسلط کامل بر افغانستان دارد و ثانیاً هرازگاهی در معرض بی‌ثباتی سیاسی، نظامی و امنیتی قرار می‌گیرد؛ به «بسته‌شدن به تار خام» شباهت می‌رساند؛ تار خامی که هرلحظه خطر پاره‌گی و سقوط در میدان مشکلات را نوید می‌دهد. دقیقاً از همین روست که می‌توانیم بگویم راهیابی از بنادر تجاری دیورند، راهیابی از دام طمع همسایه زیاده‌خواه ماست.

اما شاید گفته شود راهیابی از این میزان وابسته‌گی، آن‌هم برای کشوری درگیر جنگ و مصایب فراوان، چگونه ممکن و میسر خواهد بود؟

باید تذکر داد اگرچه ۶۰ درصد، کمیتهی بزرگ در مبادلات بازرگانی کشور به‌شمار می‌آید، اما ۱۵ سال پیش، همین رقم نیز محال و دور از تصور می‌نمود. در زمان طالبان و پیش از استقرار نظام جدید، رقمی نزدیک به ۱۰۰ درصد نیازهای بازرگانی کشور از طریق پاکستان تأمین می‌شده و این نرخ طی این ۱۵ سال - بر اثر انکشاف سایر مرزها و بنادر تجاری با همسایه‌گان و افتتاح محدودپروژه‌های زیربنایی در این زمینه - تدریجاً به ۶۰ درصد تنزل یافته و اکنون افغانستان توانسته ۴۰ درصد تجارت خود را از بنداری به غیر از بنادر پاکستان صورت دهد. این توفیق شاید با توجه به بازه زمانی ۱۵ سال و وجود فرصت‌های فراوان، ناچیز پنداشته شود؛ ولی مسلماً این اعتمادبه‌نفس و انگیزه برای تغییر و راهیابی از وابسته‌گی را نوید می‌دهد که اگر بخواهیم، می‌توانیم این آرزو را در بازه‌ی کوتاه‌تر با شتابی بیشتر تحقق بخشیم.

در این روزها، بسته‌شدن بنادر تورخم، سپین‌بولدک و غلام‌خان به روی افغانستان، هرگز توانست شوکی اقتصادی‌یی بر پیکره کشور وارد نماید و هراس بزرگی که حتا از بسته‌شدن یک‌روزه مسیر تجاری پاکستان در دل‌های ما جای داشت را بازتاباند. البته این به معنای ادامه این مسدودیت و قبول خسارت بر تجارت ملی ما نیست؛ بلکه منظور شکسته‌شدن طلسم سیادت تجاری - اقتصادی پاکستان بر ماست. اما در پهلوی این طلسم شکسته‌گی پاکستان و تقویت حس خودباوری جانب افغانستان، می‌سزد که مقامات حکومت وحدت ملی، تخلفات اقتصادی و بازرگانی پاکستان و تخطی این کشور از معاهدات تجارت بین‌المللی را پی‌گیری کنند و این کشور را در دیوان تجارت جهانی وادار به جبران خسارت سازند. در این موازات، کوشش برای راهیابی از وابسته‌گی تجاری به پاکستان باید در چهارچوب یک استراتژی بلندمدت و برنامه‌های علمی و توسعه‌یی، به دور از غوغا و هیاهو دنبال شود و گام به گام، افغانستان خود را به این هدف نزدیک سازد.

پاکستان فقط یکی از کشورهای همسایه ما و از قضا بدترین آن‌هاست؛ خوشبختانه ما پنج همسایه به‌مراتب پُرظرفیت‌تر و خوش‌نیت‌تر داریم که هرکدام خواهان پُر کردن جای پاکستان در مبادلات تجاری افغانستان است. ولی منطق و درایت سیاسی و اقتصادی حکم می‌کند که دولت ما، سهم بزرگی پاکستان در مبادلات اقتصادی کشور را میان همسایه‌گان تقسیم کند تا تجربه ما و پاکستان هرگز تکرار نگردد.

گزارش

برق قندهار و غزنی تأمین می شود

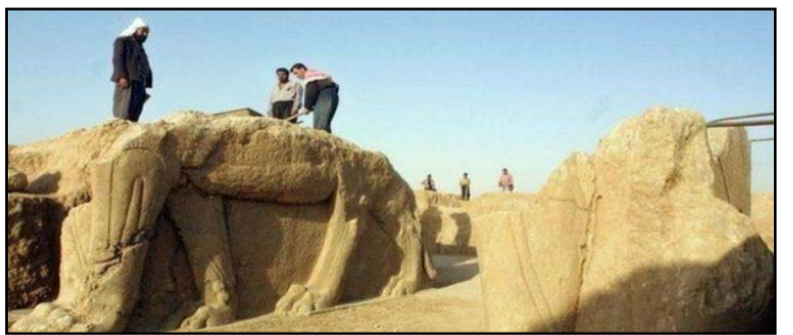


قرارداد انتقال لاین برق ۲۲۰ کیلوولت غزنی - قندهار امضا شد. مقامات شرکت برشنا می گویند که لاین برق ۲۲۰ کیلوولت غزنی - قندهار، بخشی از برق وارداتی لاین ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان است. پروژه انتقال برق ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان یکی از برنامه های بزرگ حکومت افغانستان به منظور انتقال انرژی به ولایاتی است که پیش از این از انرژی برق محروم بوده اند. در حال حاضر اولویت افغانستان انتقال برق وارداتی کشورهای آسیای میانه به ولایات جنوبی و شرقی افغانستان است. با تکمیل این لاین برق، شهرهای غزنی و قندهار با استفاده از برق وارداتی ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان، از انرژی برق مستفید خواهند شد. قرارداد امتداد این لاین از غزنی الی قندهار روز یکشنبه با شرکت هندی «KEC» و به ارزش ۱۱۳ میلیون دالر امضا شد. قدرت الله دلوری رییس شرکت برشنا دیروز در مراسم امضای این قرارداد در ارگ ریاست و با حضور رییس جمهور غنی گفت: «عقد قرارداد مهم برای تمدید لاین انتقال ۲۲۰ کیلو ولت غزنی الی شرق قندهار، که ۱۵۰ کیلومتر را در بر می گیرد،

از طریق اداره کمک های بین المللی ایالات متحده امریکا تمویل می شود.» با تکمیل این پروژه شهرهای غزنی، قندهار و برخی از ولسوالی هایی که در مسیر شاهراه قرار دارند، از برق دایمی مستفید خواهند شد. آقای دلوری گفت: «با تکمیل شدن این پروژه پنج سبب استیشتن در مناطق قره باغ، مقر، شاه جوی، قلات و شرق قندهار که تحت قرارداد دیگری امضا خواهد شد، پروژه را تکمیل می کند و برق مطمئن و دوام دار را به قندهار می رساند.» در حال حاضر شهر قندهار از برق دیزلی استفاده می کند اما این برق محدود، قیمت و نامطمئن است. انتظار می رود با رسیدن برق ترکمنستان، ولایات دیگر نیز در این مسیر از انرژی برق برخوردار شوند. ولایات زابل، ارزگان و هلمند نیز قرار است در آینده از برق وارداتی استفاده کنند. مسوولان شرکت برشنا تاکید کردند که در نظر دارند براساس تعهدات حکومت وحدت ملی، انرژی برق را به دورترین نقاط افغانستان برسانند. پراکاج کمار تندن، رییس شرکت «KEC» در این کنفرانس گفت که این شرکت از یک دهه به این سو در افغانستان فعالیت

دارد و هدفش رساندن انرژی برق به مناطقی است که پیش از این انرژی برق محروم بوده اند. آقای تندن گفت: «افغانستان برای ما جای بسیار مهمی است بخاطر این که ما در این جا نه تنها برای تکمیل پروژه ها بلکه برای دوستی آمده ایم.» استفاده از انرژی آفتاب افغانستان در این اواخر، پروژه های برق رسانی را شدت بخشیده و در جریان هفته گذشته در این بخش دو قرارداد را امضا کرده است. براساس اظهارات مسوولان شرکت برشنا، قرارداد سب استیشتن سربوبی به ارزش ۳۶ میلیون دالر با یک کمپنی ترکی امضا شد که می تواند به بیش از ۲۰ هزار مشترک در سربوبی، دولت زری، شیرخان و برخی مناطق همجوار آن، تا پانزده ماه آینده، انرژی برق را توزیع کند. همچنان، این شرکت قراردادی را برای نصب دستگاه انرژی خورشیدی با ظرفیت ده میگاووات با شرکتی موسوم به «داینیستی» امضا کرده است. بر اساس ارقام رسمی، حکومت افغانستان، شش میلیارد دالر را برای تولید دوهزار میگاووات برق، در جریان پنج سال در بخش انرژی برق سرمایه گذاری می کند. بزرگترین پروژه برق آفتابی افغانستان به کمک زیلانند جدید در ولایت بامیان ساخته شده است. این پروژه شهر بامیان و مناطق اطراف آن را روشن می کند. دومین پروژه بزرگ برق آفتابی در ولایت قندهار ساخته می شود. در حال حاضر افغانستان ۱۶۰۰ میگاووات برق (۱۰۰۰ میگاووات وارداتی و ۶۰۰ میگاووات تولیدی) دارد که نمی تواند نیازمندی شهروندان افغان را مرفوع سازد.

یونسکو: داعش به میراث فرهنگی عراق ضربه مهلک زده است



سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل، یونسکو، گفته است خساراتی که گروه تروریستی داعش به میراث فرهنگی عراق وارد کرده، بیشتر از آن چیزی است که تصور می شود. ایرینا بوکووا، رئیس یونسکو گفته است که این سازمان قصد دارد برای حفظ این مکان ها از خسارت بیشتر، اطراف

آن ها را حفاظت بکشد. مقامات عراقی گفته اند در تونل هایی که در بخش هایی از موصل حفر شده و در هفته های گذشته از تصرف داعش خارج شده به اشیا باستانی دست یافته اند. نیروهای داعش این آثار را به تاراج برده بودند. دولت عراق برآورد کرده که ۸۰ درصد

از شهر باستانی نمرود از سال ۲۰۱۵ میلادی توسط داعش تخریب شده است. شهر تاریخی نمرود که از آن به عنوان نکین تمدن آشوری یاد می شود در قرن ۱۳ پیش از میلاد و در حاشیه رود دجله، حدود ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی موصل، بنیان گذاشته شد. یونسکو پیشتر تخریب این شهر باستانی را جنایت جنگی خوانده بود. مقامات عراق گفته بودند که نیروهای داعش با بولدوز دیوارها و مجسمه های سه هزار ساله این شهر را خراب کرده اند. داعش گفته است که این آثار تاریخی مصداق «بت پرستی» است و باید چنین آثاری را از بین برد.

رهبر طالبان از مردم خواست درختان بیشتری غرس کنند

گروه شورشی طالبان در پیامی نادر از مردم افغانستان خواسته که گویا برای «نواب در دنیا و آخرت» نهال بیشتری غرس کنند. این گروه مسوول بیشترین تلفات افراد ملکی در افغانستان خوانده می شود و بارها سیاست زمین سوخته و قطع درختان را اعمال کرده اند. طالبان گفته که این پیام از سوی هبت الله آخندزاده رهبر این گروه نشر شده است. رسانه رسمی اینترنتی طالبان «پیام ویژه» را به نام آخندزاده رهبر این گروه به نشر رسانده که در آن از مردم افغانستان خواسته شده بیشتر درخت غرس کنند. این گروه از مدتی به این سو اعلامیه هایی بدون امضا به نشر می رساند که غیرمعمول هستند و مواردی از جمله تلفات افراد ملکی، عملیات نظامی پیش رو و سالگرد خروج نیروهای ارتش سرخ شوروی سابق در دهه ۱۹۸۰ را در بر می گیرند.

آخندزاده که یک ملا است، پس از کشته شدن سلفش ملا منصور رهبر سابق طالبان در حمله هواییهای بدون سرنشین امریکایی در پاکستان، در ماه می ۲۰۱۶ به عنوان رهبر این گروه انتخاب شد و در خفا زندگی می کند. وی در «پیام ویژه» تازه اش از مردم ملکی و جنگجویان طالبان خواسته است که «برای رضای خالق متعال و شکوفایی زمین، درخت های با ثمر و بی ثمر بیشتری غرس کنند.» طالبان در پی فروپاشی حاکمیت شان در سال ۲۰۰۱ در پی حمله نظامی امریکا، علیه دولت جدید این کشور که حمایت ناتو را دارد، دست به شورش زده اند و همواره حملات مرگباری را انجام می دهند. یک تحقیق جدید نشان می دهد که پس از خروج نیروهای جنگی ناتو در پایان سال ۲۰۱۴، این گروه آهسته تر شده،

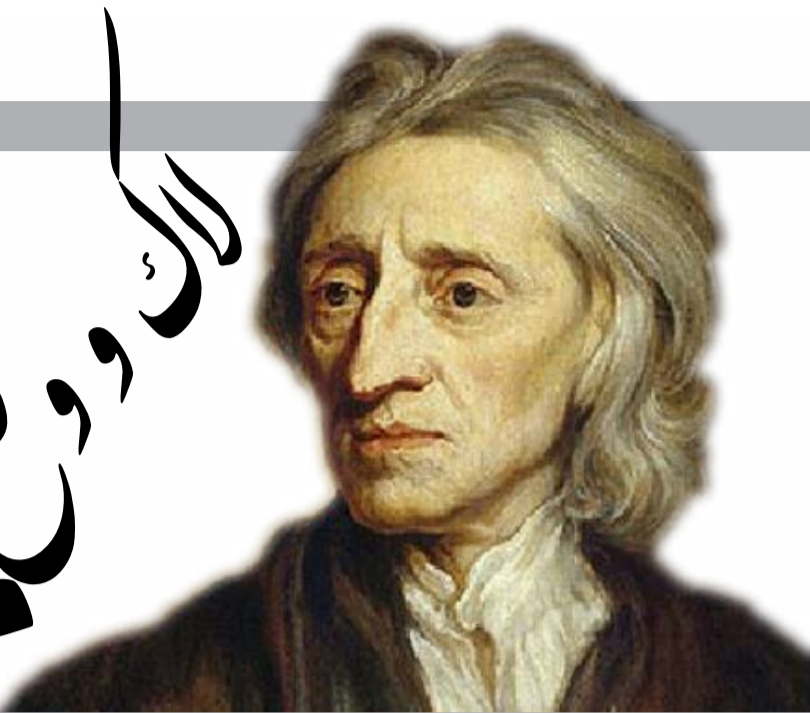
تلفات کودکان در نبردهای...

یونسف در افغانستان به روزنامه ماندگار گفت: حداقل ۶۵،۰۰۰ طفل از استخدام نیروها و گروه های مسلح در جهان در ۱۰ سال گذشته رهایی یافته اند. اما وزارت دفاع ملی با رد این گزارش تاکید دارد که در ارتش ملی هیچ کودکی جذب نشده و نخواهد شد. دولت وزیری سخنگوی وزارت دفاع ملی به روزنامه ماندگار می گوید: ما در ارتش ملی برای جلب و جذب افراد پروسه و برنامه خاص داریم؛ در هنگام جذب افراد یک، یک داکتر، دو نفر مسوول امنیتی و دو نفر افسر برای تضمین حضور می داشته باشند. وزیری تاکید دارد که این روند در تمامی ولایات قابل اجرا است و حتی یک فرد زیر هژده سال در ارتش ملی جذب نشده و نخواهد شد. رهبران جهان در دهمین سالگرد تعهدات پاریس درخواست برای توقف استفاده از اطفال در منازعات مسلحانه را تکرار کردند. این نشست در ۲۱ فبروری ۲۰۱۷ در پایتخت کشور فرانسه و با حضور ده ها کشور جهان که این تعهدنامه را امضاء کرده اند؛ برگزار شده بود. انتونی لک، مدیر اجرایی یونسف در این نشست تاکید کرده: «جهان ده سال پیش نسبت به اطفال درگیر در منازعات مسلحانه متعهد شد و این تعهد را در عمل پیاده کرد و اقداماتی انجام شد که در نتیجه آن یک شانس تازه برای یک زندگی بهتر برای ۶۵،۰۰۰ طفل به ارمغان آورده شد. اما نشست امروز تنها برای این نیست که به گذشته و اقدامات انجام شده نظر انداخته شود؛ بلکه باید به کارهایی که انجام نشده و باید برای حمایت از اطفال در منازعات مسلحانه انجام شود، توجه شود.» افغانستان که نماینده اش در این گردهمایی شرکت کرده بود، در میان کشورهای ایست که پیشرفت هایی را برای بهبود شرایط حفاظتی برای اطفال درگیر در منازعات مسلحانه انجام داده اند. اقدامات انجام شده شامل امضای برنامه عملی در سال ۲۰۱۱ میلادی و تعهد بر نقشه راه ۱۵ ماده ای برای

جلوگیری از استخدام اطفال از سوی نیروهای دفاعی ملی افغانستان در سال ۲۰۱۴؛ تأیید دستورالعمل های ملی برای ارزیابی سن به عنوان راهی حتمی و گریزناپذیر برای تعیین سن افراد جذب شده به پولیس ملی افغانستان در دسامبر سال ۲۰۱۵ و تصویب قانونی برای صیغه جرمی دادن به استخدام اطفال از سوی نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان، می باشند. ادیل خضر، نماینده یونسف در افغانستان گفت: «ما از حضور نماینده افغانستان در این نشست مهم برای ارایه معلومات درباره اقدام انجام شده از سوی افغانستان، خرسندیم. با این حال، ما نگران ادامه استخدام اطفال از سوی تمامی طرف های درگیر در منازعات مسلحانه هستیم. او تاکید کرده: در حالیکه افغانستان در راستای رسیده گی به این امر کار می کند، از حکومت افغانستان می خواهیم تا راه های بدیل تویف و زندانی کردن اطفال را مد نظر داشته باشند؛ زیرا اطفالی که با گروه های مسلح در ارتباط بوده اند باید به عنوان قربانی تلقی شوند و با آنان براساس معیارهای دادرسی برای نوجوانان برخورد شود. تعداد کشورهایی که تعهدات پاریس را تصویب کرده اند، در یک دهه گذشته دو برابر شده است و تعداد این کشورها از ۵۸ کشور در سال ۲۰۰۷ به ۱۰۵ کشور در سال جاری رسیده است که افغانستان نیز در جمع این کشورهاست. کنفرانس بین المللی پاریس که در سطح وزرا برای حفاظت از اطفال در منازعات مسلحانه برگزار می شود به دنبال راه هایی برای استفاده از فرصت پیش آمده است. این اقدامات شامل درخواست برای رهایی بدون قید و شرط و بدون استئنا اطفال از صفوف طرف های درگیر؛ خاتمه دادن به استخدام اطفال؛ اختصاص دادن منابع بیشتر برای ادغام مجدد و آموزش اطفال رهایی یافته و اقدامات فوری برای حفاظت از اطفال بیجا شده داخلی، مهاجر و پناهنده، است.



حالی مطرح می کند که جنگ بیش از ۱۵ ساله این گروه در افغانستان باعث شده که طبیعت این کشور در سطح گسترده ای آسیب ببیند، رفاه اجتماعی در پایین ترین سطح قرار گیرد و صدها هزار انسان کشته، زخمی و معیوب شوند. هرچند هنوز واضح نیست که پیام های اخیر رهبر طالبان نشانه ای از چرخش این گروه به سوی صلح و خستگی شان از جنگ است و یا این گروه در تلاش است یک بار دیگر با استفاده ابزاری از دین و به کارگیری حساسیت های عقیدتی مردم، ذهن جامعه را تحت تأثیرش قرار داده و برای بازگشت طالبان و سهمگیری شان در قدرت آماده سازد. اما با اینهمه یک موضوع کاملاً واضح است که شورشیان طالبان در بیش از ۱۵ سال اخیر همواره بر مناطق جنگلی در افغانستان کنترل بیشتری داشته اند و توانسته اند از این مناطق برای بهتر پنهان شدن شان استفاده کنند. کشتارهای مردم هم همیشه برای این گروه مکان خوبی برای پنهان شدن و کمین زدن کاروان های نیروهای امنیتی و حمله بر تاسیسات دولتی و نیروهای خارجی بوده است.



جواد طباطبایی

حقوق طبیعی

بدیهی است که اعمال قانون طبیعی در وضع طبیعی که نهادی برای اجرای آن وجود ندارد، بر عهده افراد است و هرکسی باید به نوبه خود آن را اجرا کند. لاک می‌نویسد: «برای این که بتوان افراد انسانی را از تجاوز به حقوق دیگران و آسیب رساندن به همدیگر بازداشت و برای تأمین رعایت قانون طبیعی که ناظر بر برقراری صلح و صیانت بشریت است، هر فردی موظف است که در وضع طبیعی، قانون طبیعی را به مورد اجرا بگذارد و این امر مستلزم آن است که هر فردی توانایی این را داشته باشد که کسانی را که به حقوق او تجاوز می‌کنند، برای پیشگیری از ارتکاب جرم، به مجازات کافی برساند؛ زیرا اگر قانون طبیعت، مانند هر قانون دیگری در این جهان، چنان که فردی برای اجرای آن حمایت از بی‌گناهان و جلوگیری از مجرمان در وضع طبیعی وجود نداشته باشد، کان لیم یکن خواهد بود، اما اگر هر فردی، در وضع طبیعی می‌تواند دیگری را برای جرمی که مرتکب شده است، مجازات کند، در این صورت، همه توان چنین رفتاری را دارند؛ زیرا در این وضع برابری کامل که هیچ کس، به طور طبیعی، نسبت به دیگری برتری و اقتدار حقوقی ندارد، اگر هر عملی برای اجرای قانون برای هر فردی مجاز باشد، این عمل، به ضرورت، برای همه‌گان چنین است». وانگهی، انسان در وضع طبیعی، نه تنها حق دارد از جان و مال خود دفاع کند، بلکه موظف است که تا زمانی که خطری او را تهدید نمی‌کند و در محدوده توانایی‌های خود در «حفظ نوع بشر» بکوشد؛ به این معنا که او باید کوشش کند «زنده‌گی دیگری» یا آنچه موجب بقای شخص می‌شود یا «آزادی، سلامتی، جسم و دارایی‌های او را نابود یا تضعیف نکند»، مگر این که بخواهد مجرمی را به سزای عمل او برساند. در وضع طبیعی که همه‌گان آزاد و برابرند، شخصی برای داوری و اجرای قانون طبیعی که غایتی جز حفظ صلح و آرامش و صیانت ذات نوع بشر ندارد، وجود ندارد و هر فردی را می‌سزد که مانع تجاوز از قانون شود و کسی را که از قانون تجاوز کرده است، مجازات کند. قانون طبیعت، مانند هر قانون دیگری که ناظر بر حیات دنیوی انسان است، به مجری نیاز دارد؛ زیرا اگر قانون طبیعی مجری نداشته باشد، از درجه اعتبار ساقط و کان لیم یکن خواهد بود. «در وضع طبیعی، اگر یک فرد حق داشته باشد دیگری را برای جرمی که مرتکب شده است مجازات کند، پس هر فرد دیگر نیز این حق را خواهد داشت؛ زیرا وضع طبیعی، وضع برابری کامل است و در آن هیچ فردی تفوقی بر دیگری ندارد

و حکم او نیز بر دیگری روا نیست و اگر فردی حق دارد در اجرای قانون طبیعی عملی انجام دهد، دیگری نیز به چنین حقی نیاز خواهد داشت». بدین سان، به خلاف نظر هابز، وضع طبیعی وضع جنگ همه علیه همه نیست اگرچه در مواردی امکان دارد شخصی بر دیگری چیره شود؛ اما چنان «قدرت مطلق و خودسرانه‌ی» را ندارد که بتواند برابر امیال و هوای نفسانی خود به جنایتی علیه او مرتکب شود، بلکه باید برابر فرمان عقل و حکم وجدان او را مطابق و مناسب خلاقی که او را سرزده مجازات کند تا درسی برای دیگران و جبرانی برای ضروری باشد که به دیگری وارد کرده است. دو اصل جبران ضرر و ممانعت از تکرار آن، دو ضابطه اساسی مجازات در وضع طبیعی هستند؛ زیرا «متجاوز، با ارتکاب به تجاوز از حکم قانون طبیعی، آشکارا اعلام می‌کند که تابع قانونی (rule) جز قانون عقل و انصاف عمومی است؛ قانونی که خداوند هم‌چون ضابطه‌ی برای اعمال افراد انسانی برای تأمین امنیت متقابل آن‌ها قرار داده است.

«از این رو، هر فردی، نظر به حقی که صیانت بشریت به طور کلی دارد، می‌تواند هر جایی که ضرورت ایجاب کند، مانعی در برابر هر عملی که ضرری به او می‌رساند ایجاد کند یا آن را از میان بردارد و هر فردی را که از قانون طبیعی تجاوز کرده است، به گونه‌ی مجازات کند که او از کرده خود پشیمان شود و آن را تکرار نکند و درس عبرتی نیز برای دیگران باشد تا مرتکب چنان عملی نشوند.» با توجه به این مورد و سابقه امر می‌توان گفت که «هر فردی حق دارد متجاوز را مجازات کند و مجری قانون طبیعی باشد.» به گونه‌ی که می‌توان از این توضیحات اجمالی درباره وضع طبیعی دریافت، وضع طبیعی در اندیشه سیاسی جان لاک، به خلاف آنچه در رساله‌های تامس هابز و نیز در قرارداد اجتماعی ژاک ژان روسو آمده بود، وضع انسان تنها نیست؛ بلکه برعکس، اگرچه در وضع طبیعی هنوز اجتماع سیاسی ایجاد نشده است، اما به هر حال، وضع طبیعی وضعی اجتماعی است و انسان مطابق قانونی زنده‌گی می‌کند که خداوند در وجود او به ودیعه گذاشته و با حکم عقل سلیم نیز مطابقت دارد. در فرض هابز، چنان که گذشت، وضع طبیعی که در آن همه افراد انسانی به‌طور طبیعی برابرند، وضع جنگ همه علیه همه است و هر فردی تنها بر تکیه بر عقل حسابگر می‌تواند صیانت ذات خود را تأمین کند. در وضع طبیعی، از برابری بی‌اعتمادی تولد می‌یابد. تنها حسی که بر مناسبات فرمان می‌راند،

بی‌اعتمادی نسبت به دیگران است و هیچ وسیله‌ی برای تأمین صیانت ذات بهتر از برتری‌جویی بر دیگران، به عبارت دیگر، «تبدیل شدن به سرور آنان، به زور یا باحلیه»، وجود ندارد. وانگهی انسان از زنده‌گی با دیگران که در آن قدرتی وجود ندارد تا همه‌گان را به احترام به قانون وادار کند، لذتی نمی‌برد. هر فردی تا جایی که می‌تواند از دیگری می‌خواهد تا بیشترین احترام را به او قایل شود، اما آن‌گاه که دیگری مرتکب بی‌احترامی به او شود، کوشش می‌کند تا به هر بهایی احترام او را به خود جلب کند.

هابز می‌نویسد: «بدین سان، در طبیعت انسان می‌توان سه علت اساسی برای پیکار پیدا کرد: نخست رقابت، دیگر بی‌اعتمادی و دیگر، جاه‌طلبی (gliry)». از رقابت تهاجم برای به دست آوردن نفع تولد می‌یابد، بی‌اعتمادی موجب تهاجم برای تأمین امنیت می‌شود و جاه‌طلبی نیز موجبی برای به دست آوردن شهرت است. افزون بر این در نخستین مورد، انسان از خشونت سود می‌جوید تا بر دیگران چیره شود؛ در دومین، از این مورد نیز برای به دست آوردن چیزهایی بی‌اهمیت، «کلمه‌ی، لیخندی و...» دست به خشونت می‌زند. آشکار است که تا زمانی که افراد انسانی بدون داشتن «قدرتی مشترک» به زنده‌گی خود ادامه دهند، در وضع جنگ همه علیه همه قرار خواهند داشت. در این وضع جنگ همه‌گانی، «آن‌جا که قدرت مشترک وجود نداشته باشد، قانونی وجود ندارد و آن‌جا که قانونی وجود نداشته باشد، هیچ امری غیرعادلانه نیست» از این رو، به نظر هابز، در این وضع، مفهوم مشروع و غیرمشروع وجود نمی‌تواند داشته باشد. چنان‌که پیشتر به تفصیل گفته ایم، هدف از تأسیس اجتماع سیاسی و ایجاد لویاتان جز بیرون آمدن از این وضع جنگ همه علیه همه نیست. در این وضع طبیعی، به گونه‌ی که هابز تصریح می‌کند، در فقدان قدرت مشترکی که با تأسیس اجتماع سیاسی ایجاد خواهد شد، قانونی وجود ندارد؛ بلکه حقی وجود دارد که هابز آن را «حق طبیعی» می‌نامد و منظور او حق طبیعی «آزادی» هر فردی در به کار بردن «قدرت خود برای صیانت ذات» است.

کودکان واقعاً به تشویق شما نیازمندند. در تمام مراحل رشد از چهار دست و پا رفتن گرفته تا دویدن و توپ‌بازی و نقاشی کردن، چشمان کنجکاو کودک شما در جست‌وجوی تشویق‌ها و ابراز احساسات کلامی و فیزیکی شماست. آن‌ها همه چیز را به‌خوبی درک می‌کنند و از لحن کلام شما متوجه می‌شوند که چه مقدار تعریف در آن‌ها گنجانده شده است. حتی یک جمله کوتاه «چه کار خوبی!» می‌تواند به اندازه «من تا به حال چنین کار خوبی ندیده‌ام» تأثیرگذار باشد، مشروط بر این که از لحن کلامی مناسبی استفاده کنید.

کودکان را نجات ندهید

خیلی طبیعی است که شما به عنوان یک مادر یا پدر دلسوز نگران کودک‌تان باشید تا اتفاقی برایش نیفتد، احساس ناامیدی نکنند و در کارهایش دچار اشتباه نشود. اما بهتر است به جای نگرانی، موقعیت‌هایی را فراهم کنید تا فرزندتان با شرایطی مواجه شود که احتمال شکست در آن‌جا وجود داشته باشد تا این درک در او به وجود بیاید که احساس عصبانیت، ناراحتی و ناامیدی، حس‌هایی کاملاً طبیعی هستند که می‌تواند کاملاً عادی باشد و نباید از مواجهه با آنها بترسد. او باید یاد بگیرد خودش از پس مشکلات بر بیاید نه این که انتظار داشته باشد که شما تمام سنگ‌ها را از جلوی پایش بردارید و مسیر را هموار کنید.

اجازه دهید خودش تصمیم بگیرد

وقتی فرزند شما از همان سال‌های اولیه زنده‌گی شانس تصمیم‌گیری و انتخاب را داشته باشد، به مرور برای نشان دادن قضاوت‌ها و تصمیمات خود اعتماد به نفس لازم را به دست خواهد آورد. برای این کار شرایطی را فراهم کنید تا کودک‌تان چند گزینه برای انتخاب کردن در اختیار داشته باشد. به گونه‌ی مثال، نظر کودک خردسال‌تان را درباره غذا بپرسید، البته هیچ وقت به‌طور مستقیم نپرسید که چه غذایی را دوست دارد، بلکه قدرت انتخاب او را بین دو غذای مختلف مورد آزمایش قرار دهید.

همیشه نیمه پُر پیاله را ببینید

اگر تصور می‌کنید فرزند شما خیلی زود ناامید می‌شود، به او کمک کنید تا نسبت به مسایل خوش‌بین باشد. البته افزایش میزان خوش‌بینی کاملاً با خوش‌بینی کاذب تفاوت دارد. به جای این که با استفاده از الفاظ و کلمات زیبا او را فقط به دیدن جنبه‌های مثبت قضیه تشویق کنید، بهتر است او را به تفکر درباره راه‌هایی جدید برای حل مشکلات و نزدیک شدن به ایده‌آل‌هایش تشویق نمایید. مثلاً اگر دختر ۷ ساله شما از این که نسبت به هم‌سنفشی‌اش در نقاشی کردن ضعیف‌تر است، نگران و آشفته شده، در کمال آرامش برایش توضیح دهید که همه افراد از سرعت یادگیری یکسانی برخوردار نیستند ولی می‌توان چنین مشکلی را با تمرین و ممارست حل کرد.

قدرت حل مسأله

کودکان وقتی نسبت به خود مطمئن می‌شوند، که بتوانند بر سر خواسته‌هایشان مذاکره کنند. تحقیقات نشان می‌دهد حتی بچه‌های کوچک نیز می‌دانند چگونه مشکلات خود را شخصاً حل کنند. وقتی فرزند شما از مسایلی که برایش پیش آمده شکایت می‌کند، به جای این که تنها به همدردی و احیاناً دفاع از وی بپردازید، بهتر است از او بخواهید تا کمی درباره بهترین راه حل برای مقابله با این مشکل فکر کند و پس از رسیدن به نتیجه درباره علت انتخابش با او صحبت کنید.

موقعیت‌هایی برای بودن در کنار بزرگترها

اگرچه بچه‌ها ترجیح می‌دهند بیشتر وقت خود را در گروه هم‌سالان صرف کنند، اما حضور آن‌ها در کنار بزرگترها و در جمع آن‌ها واقعاً مهم است. اگر موقعیتی را فراهم کنید تا فرزندتان مقدار از وقت خود را با بزرگترها بگذرانند، دنیای آن‌ها بزرگ و بزرگ‌تر شده و دید بازتر و عاقلانه‌تری نسبت به مسایل زنده‌گی خواهند داشت.

درباره آینده خیال‌بافی کنید

اگر بچه‌ها می‌توانند در رویاها و خیال‌پردازی‌های‌شان، خود را در نقش‌ها و مسوولیت‌های آینده تصور کنند، مطمئناً از اعتماد به نفس و اطمینان خوبی برخوردار هستند. برای کودک‌تان توضیح دهید که چگونه شما، همسران و دیگر بزرگترها، شغل کنونی‌تان را انتخاب کردید. مهم نیست که انتخاب هم‌اکنون فرزند شما چیست و در آینده چه کار خواهد شد، مهم این است که او درباره اهداف خود در زنده‌گی فکر می‌کند.

منبع: www.parents.com



استعداد کودکان‌تان را در مسیر درست هدایت کنید

نقدی بر رمان "مسخ" اثر کافکا

[مریم سمیعی]

رمان مسخ از آنجایی

آغاز می‌شود که گره‌گوار سامسا از خواب آشفته‌یی می‌پرد و خود را در حالی می‌یابد که به حشره‌یی تمام‌عیار تبدیل شده است. گره‌گوار آشفته و پریشان از ظاهر وحشتناک خود به اطراف نگاه می‌کند تا از حقیقت داشتن آن‌چه که رخ داده، اطمینان کسب کند. او در حالی که به علت جثه سنگینش به سختی می‌توانست تکان بخورد، به شغل اجباری‌اش می‌اندیشد. به این‌که هر روز می‌بایست به علت قرض سنگین خانواده‌اش کار بکند و زندگی‌شان را بچرخاند. این کار سنگین همیشه مانع از آن می‌شد که گره‌گوار بتواند دوستی داشته باشد و او را بیش از پیش در انزوا می‌کشید. «اگر پای بند خویشانم نبودم، مدت‌ها بود که استغفای خودم را داده بودم.»

مادر گره‌گوار به او یادآوری می‌کند که می‌بایست هر چه سریع‌تر سر کار برود. او همین که سعی می‌کند پاسخ مادرش را بدهد، متوجه می‌شود که صدایش تغییر کرده. با زحمت بسیار می‌کوشد که از روی تخت پایین بیاید. در همین حال، معاون گره‌گوار از راه می‌رسد تا علت تأخیر او را جویا شود. «چرا باید محکوم به خدمت در تجارت‌خانه‌یی باشم که در آن‌جا کوچک‌ترین غفلت کارمند، موجب بدترین سوءظن درباره‌ی او می‌شود؟ آیا همه‌ی کارمندان بی‌استثنا دغل بودند؟»

گره‌گوار در را به سختی باز می‌کند و با دیدن او، همه وحشت‌زده هر یک به سمتی می‌گریزند. پدرش سعی می‌کند گره‌گوار را وادار کند که به اتاقش بازگردد و با این کار باعث می‌شود که گره‌گوار قدری زخمی شود. گره‌گوار در حالی که بسیار خسته بود، به خواب می‌رود. هنگامی که از خواب برمی‌خیزد، متوجه می‌شود که در گوشه‌ی اتاق کاسه‌یی شیر و تکه‌یی نان قرار گرفته است. او می‌فهمد که به هیچ‌وجه از مزه شیر خوشش نمی‌آید در حالی که در گذشته یکی از غذاهای مورد علاقه‌اش بود. روز بعد خواهرش، گرت، به آرامی وارد اتاق می‌شود و شیر دست نخورده را با آشغال سبزیجات گندیده جابه‌جا می‌کند. این بار گره‌گوار با اشتهای زیاد همه را می‌خورد! گرت نسبت به دیگر اعضای خانواده با ظاهر وحشتناک گره‌گوار راحت‌تر کنار آمده است. پس از این اتفاق تنها گرت است که وظیفه غذا دادن به گره‌گوار را پذیرفته.

بعد از مدتی گره‌گوار بیش از پیش با اندام تغییر یافته‌اش احساس راحتی می‌کند. بالا رفتن از دیوار و سقف یکی از تفریحات ویژه‌ی او می‌شود و ترجیح می‌دهد که ساعت‌ها زیر میل قرار بگیرد و از روشنایی فرار کند. گرت که متوجه این تغییر روحیه در گره‌گوار شده، از مادرش می‌خواهد که با کمک یک‌دیگر وسایل داخل اتاق را بیرون ببرند. این کار باعث عصبانی شدن گره‌گوار می‌شود و او خود را دیوانه‌وار به قاب عکس روی دیوار آویزان می‌کند و از اتاق بیرون می‌جهد. در همین حال پدر که به علت شرایط مادی مجبور به کار کردن بود، خسته از سر کار باز می‌گردد و چشمش به گره‌گوار می‌افتد که دیوانه‌وار



در سالن می‌چرخید. شروع می‌کند به پرتاب کردن سیب به سمت گره‌گوار تا او را وادار کند که به سمت اتاقش برود. سیبی در پشت گره‌گوار فرو رفته و او از درد به اتاقش پناه می‌برد. داستان غم‌انگیز زندگی گره‌گوار سامسا حاکی از این بیگانه‌گی با هنجارهاست. گویی او خود می‌خواهد که بین تابعیت محض از اجتماع و مسخ شدن، مسخ شدن را برگزیند. در نتیجه می‌توان گفت که مسخ شدن گره‌گوار، نوعی فرار از واقعیت حاکم است. خانواده‌ی گره‌گوار پس از مدتی به شدت تغییر می‌کند و این تغییرات را گره‌گوار بهتر از هر کس دیگری می‌تواند درک کند. گرت کمتر به گره‌گوار سر می‌زند و به ظاهر او را فراموش کرده است. خانواده‌ی گره‌گوار برای چیره شدن بر فقر خود مجبور می‌شوند که سه اتاق از خانه‌شان را به مستأجر بدهند. یک بار که اتفاقاً در اتاق باز مانده بود و گرت در حال نواختن ویالون برای مستأجران بود، گره‌گوار متوجه علاقه‌ی بیش از حدش به موسیقی می‌شد. به طوری که به یاد نداشت که پیش از این تا این حد به صدای موسیقی واکنش نشان دهد. «حس می‌کرد که راه تازه‌یی جلوی من باز شده و او را به سوی خوراک ناشناسی که به شدت آرزویش را داشت، راهنمایی می‌نمود.» در حالی که هنوز در اتاق گره‌گوار باز بود، گرت خطاب به پدر و مادرش می‌گوید که می‌بایست از دست گره‌گوار راحت شوند یا این‌که از بین خواهند رفت. گره‌گوار هنگامی که متوجه می‌شود که در آن خانه تنها سربرای ست برای دیگران و از طرفی به خاطر این‌که مدتی بود که نتوانسته بود غذایی بخورد، از غم و غصه همان شب می‌میرد.

داستان مسخ کافکا نشان‌دهنده‌ی انسان معاصر است. انسانی که نخواهد تابع بی‌چون‌وچرای جامعه و هنجارهای حاکم بر فرهنگ باشد، برچسب کجروی بر او می‌زنند. داستان غم‌انگیز زنده‌گی گره‌گوار سامسا حاکی از این بیگانه‌گی با هنجارهاست. گویی او خود می‌خواهد که بین تابعیت محض از اجتماع و مسخ شدن، مسخ شدن را برگزیند. در نتیجه می‌توان گفت که مسخ شدن گره‌گوار نوعی فرار از واقعیت حاکم است. سرانجام همان‌طور که علاقه‌ی بیش از حد گره‌گوار به موسیقی و به‌طور عام هنر نشان می‌دهد، او کاملاً خود را از جهان مادی خلاص کرده است. گره‌گوار تنها زمانی توانست از شنیدن موسیقی لذت ببرد و نفس واقعی خود را دریابد که از اجتماع و قراردادهای آن گریخت و به معنای دیگر مسخ شد.

در یکی از صحنه‌ها که پدر گره‌گوار به سمتش سیب پرت می‌کند تا او را به اتاق خود براند، او می‌تواند کنایه‌یی از گناه حضرت آدم و رانده شدن او از بهشت دانست. گناه گره‌گوار هنجارشکنی کرده بود و می‌بایست از بهشت اجتماع رانده شود.

از طرفی می‌توان گفت مسخ شدن گره‌گوار باعث شد که تنها ظاهر او تغییر کند، ولی شیوه تفکر او بدون تغییر باقی ماند. هرچند او پس از مدتی شروع به بالا رفتن از دیوار می‌کند و بیشتر سعی می‌کند که در تاریکی باشد تا روشنایی، اما هنگامی که مادر و خواهرش می‌کوشند که وسایل اتاقش را بیرون ببرند، با مقاومت شدید او روبه‌رو می‌شوند. او دیوانه‌وار به تابلوی روی دیوارش چنگ می‌زند و سعی می‌کند که وسایلی که مربوط به گذشته‌ی انسان بودنش است را حفظ کند. این تعارض تا آخر داستان باقی می‌ماند.

ولادیمیر ناباکوف در مورد این داستان گفته است: «اگر کسی "مسخ" کافکا را چیزی بیش از یک خیال‌پردازی حشره‌شناسانه بداند، به او تبریک می‌گویم، چون به صف خواننده‌گان خوب و بزرگ پیوسته است.»

چه سنگین است نام زخمیات بر روی دفترا
صدا کردی صدا، اما به رویت بسته شد درها
لب دریای کابل در حریر شعله پیچیدی
به دست دشمنانت نه به دست نابادرها
لب دریای کابل سوختی، لرزید کوهستان
سپه پوشید شام مرگ تو خیل کبوترها
لب دریای کابل سوختی در شعله رقصیدند
هزاران دل در اندام نگارین صنوبرها
لب دریای کابل شعلور گردید گیسویت
از آن آتش گرفته گیسوان هرچه دخترها

تو خاکستر شدی و در تماشای تو صف بستند
لب دریای کابل گله آدمها، خرها
تو را آتش زدند و سوختند اما کسانی هم
نمک پاشید بر زخم ز پشت میز و منبرها
تو را در شعله پیچیدند تا در شهر بنویسند
بر اندام مسلمانی ما نفرین کافرها
چه بی درد اند انانی که در مرگ تو صف بستند
تو را دیدند در امواج سنگ و چوب و خنجرها
فدای تیغ چنگیزی که بیرون از نیام آید
شود رنگین به خون گردن این کورها، کرها

کفن از زخم پوشیدی بخواب آرام فرخنده
به پای مرگ تو افتاده از خجلت فرو سرها
بخواب آرام اما مرگ تو یک زخم خونین است

برای فرخنده که

در انفجار همالت جان داد!



در اندام زمان، در برگه‌های سبز باورها
بخواب آرام فرخنده، نشد فرصت که میدیدی
در این جغرافیای خون دهن بگشوده ازدرها
سرشت ما که برمی‌تابد از او سرنوشت ما
گواهی می‌دهد از گوسفندان در علفچرها
مگر فارابی باید که با دست نگاه او
برون آید ز دریای خرد رخشنده گوهرها
چراغی از خرد روشن شود در ازدحام شب
که تا باطل شود اوراق ورد تلخ ساحرها

هادی میران

کابل اول حمل ۱۳۹۴



ریس کمیسیون انتخابات:

اجازه مداخله نمی‌دهیم

هارون مجیدی

ریس کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید که به هیچ کسی اجازه مداخله در کار کمیسیون انتخابات را نخواهند داد.

در سوی دیگر، مسوولان در شماری از نهادهای ناظر بر انتخابات افغانستان از مداخله حکومت در روند کار کمیسیون انتخابات شکایت کرده و می‌گویند که ادامه این روند بار دیگر، برگزاری انتخابات شفاف در افغانستان را صدمه زده و بی‌باوری در میان شهروندان را بیشتر از پیش می‌سازد.

محمد نعیم ایوب‌زاده، رییس بنیاد انتخابات شفاف افغانستان و یا تیفای دیروز (یکشنبه، ۸ حوت) در نشست مشترک با مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی و فعالان جامعه مدنی، گفت: امروزه انتخابات در کشور از اثر مداخله و بی‌توجهی مسوولان مبدل به معضل شده است.

به گفته او: در جریان بیشتر از دو سال گذشته، آنچه که انتظار برده می‌شد تا مسوولان حکومت وحدت ملی برای آوردن اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی کاری از پیش می‌برند، انجام ندادند.

آقای ایوب‌زاده به این باور است که فشار رسانه‌ها، نهادهای ناظر برگزاری انتخابات افغانستان و شهروندان مسوولان را بر آن داشت تا در چهره‌های جدید را برای مدیریت کمیسیون‌های انتخاباتی بگمارند و اما این کار برای اصلاحات مورد انتظار، کافی نیست.

او با بیان این‌که برخی گزارش‌هایی را با خود دارد که نشان از مداخله مسوولان حکومت به‌ویژه ریاست‌جمهوری در کار کمیسیون انتخابات را نشان می‌دهد، گفت: هر نوع مداخله و مصلحت در کار کمیسیون انتخابات جفا در حق شهروندان است و ادامه این کار استقلالیت کمیسیون انتخابات را با پرش روبه‌رو می‌سازد.

به گفته رییس بنیاد تیفای: دولت کمیسیون را به عنوان نهاد مستقل احترام بگذارد و اجازه دهند تا اعضای کمیسیون کارهای خود را بر بنیاد برنامه‌ریزی‌ها به پیش ببرند.

آقای ایوب‌زاده با اشاره به درازا کشیده شدن گزینش چهره جدیدی برای ریاست دبیرخانه کمیسیون انتخابات گفت: حکومت نباید قانون را نقض کند و از سه نفری که به عنوان نامزدان این پُست معرفی شده‌اند، یکی را گزینش کنند.

رییس تیفای می‌گوید: شهروندان انتظار دارند تا مسوولان حکومت وحدت ملی بر بنیاد شرایط موجود برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها کاری انجام دهند.

او می‌گوید که امروزه شرایط در کشور به‌گونه پیش آمده است که انجام فعالیت‌های سیاسی-مدنی با چالش روبه‌رو است و نیاز است تا مسوولان با داشتن



دورنمای امنیتی نقاط آسیب‌پذیری را شناسایی کنند و برای بیرون‌رفت از چالش‌ها چاره‌جویی‌های را انجام دهند.

آقای ایوب‌زاده با اشاره به اعلام زمان برگزاری انتخابات که مسوولان حکومت پیش از این زمان برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی در سال پیش رو مشخص کرده بودند، گفت: مسوولان بدون در نظر داشت پیامدهای منفی، زمان برگزاری انتخابات را در سال پیش رو اعلام داشتند و این کار را بدون مشوره با اعضای کمیسیون انتخابات کرده‌اند و با توجه به شرایطی که در کشور حاکم است، هیچ امیدی برای برگزاری انتخابات شفاف در سال پیش رو و تضمین آینده دموکراسی در افغانستان، وجود ندارد.

در این حال، نجیب‌الله احمدزی، رییس کمیسیون انتخابات در این نشست گفت که آنان برای برگزاری انتخابات شفاف پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها کارهای بنیادی را انجام داده‌اند.

رییس کمیسیون انتخابات نیز از مسوولان حکومت و سیاسیون می‌خواهد تا به استقلالیت کار آنان صدمه نرسانند.

آقای احمدزی تأکید کرد: ما در کمیسیون انتخابات اجازه نمی‌دهیم که کسی در روند کار ما دخالت کنند. آقای احمدزی، از مسوولان نهادهای مدنی و ناظر بر انتخابات افغانستان خواست تا تجارب خود برای بهتر و شفاف برگزار شدن انتخابات با آنان شریک سازند. او گفت: "تلاش داریم تا انتخابات شفاف و قابل قبول برای همه را برگزار کنیم."

رییس کمیسیون انتخابات نیز با انتقاد از طولانی شدن گزینش رییس دبیرخانه این کمیسیون توسط مسوولان حکومت وحدت ملی، گفت که ادامه این وضعیت کار ما را با کندی روبه‌رو می‌سازد.

داکتر عبدالله:

برخلاف کرسی تعریف روشن از دوست و دشمن داریم

سینه‌های‌شان را سپر ساخته و بزرگ‌ترین سد در برابر دشمنان می‌باشند.

بر اساس این خبرنامه، رییس اجرایی ابراز امیدواری کرده است که مخالفان مسلحی که از همین آب و خاک هستند، متوجه اشتباه‌شان شوند و با پیوستن به روند صلح، برای همیشه به جنگ در کشور خاتمه دهند.

وی در بخش دیگر صحبت‌هایش تعدیل قانون اساسی را نیاز مبرم و خواست مردم افغانستان دانست و تأکید کرد که یگانه راه برای تعدیل قانونی اساسی، برگزاری لویه جرگه می‌باشد. داکتر عبدالله دیدگاه حکومت وحدت ملی در

راستای مبارزه با تروریسم را واضح و روشن عنوان کرد و گفت که برخلاف آقای کرسی که تعریف واضح از دوست و دشمن نداشت، رهبری حکومت وحدت ملی، دوست را دوست و دشمن را دشمن می‌داند و بر مبارزه همه‌جانبه با دشمنان تأکید می‌نماید.



با تطبیق آن، بخش کلان مشکلات مردم و به ویژه جوانان حل خواهد شد. بر اساس خبرنامه ریاست اجراییه که به روزنامه ماندگار رسیده است، رییس اجرایی از نقش جوانان در نظام یاد کرده و گفته است که جوانان در دفاع از ارزش‌های دینی و ملی

عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی می‌گوید که برخلاف حامد کرسی، آن‌ها تعریف روشن از دوست و دشمن دارند. آقای عبدالله، دیروز در دیدار با شماری از جوانان در کابل گفته است که رهبری حکومت، برنامه‌هایی را روی دست دارد که

یک زن از سوی شوهرش...

رسانه‌های پولیس بغلان با تأیید این رویداد می‌گویند، عامل این قتل از محل رویداد فرار کرده و پولیس در پی بازداشت او است. به گفته آقای شجاع، تاکنون انگیزه این قتل روشن نیست.

مقام‌های محلی بغلان می‌گویند، جسد مقتول صبح دیروز از سوی پولیس به طب عدلی شفاخانه ولایتی پلخمری انتقال یافته است.

دکتر عبدالعلیم غفاری، معاون صحت عامه بغلان، می‌گوید، بر بخش‌های از بدن این زن نشانه‌های لت‌وکوب و زخم نیز دیده می‌شود.

طالبان غواری ارزگان...

په تورگه و تاکی او په خبره پېي که مرکزي حکومت ارزگان ته جدي پاملرنه ونه کړي نو د دغه ولایتخه به ناامني د افغانستان نورو ولایتونو ته وغځېږي.

نوموړی وايي، ارزگان ته د وسله‌والو طالبانو لور پوري مشران هم راغلي او دغلته د خلکو سره په سلا مشورو بوخت دي.

بناغلي خروتي زیاته کړه:

"موږ ځینې معلومات ترلاسه کړي چې په هغه سیمو کې چې د وسله‌والو طالبانو تر ولکې لاندې دي، یو شمېر کسان راغلي، پلونه جوړوونکي خلکو ته انجنیرادوي، څه موده مخکې د ملا محمدعمر زوی ملا یعقوب هم ارزگان ولایت ته راغلی و."

خروتي وویل، مرکزي حکومت د ارزگان د امنیت برخه کې خپلو کړو وعدو ته ژمن نه‌دی پاتې شوی.

دا په داسې حال کې ده چې څو ورځې دمخه د افغانستان امنیت شورا هم د پسرلي موسم په راتلو سره د ارزگان په گډون د یو شمېر ولایتونو د امنیت په اړه اندیښنمنودلي وه.

له دې سره د ارزگان د ولایتی شورا مسؤلین هم ورته خرگندوني لري.

په ارزگان ولایت کې د ولایتی شورا رئیس امیر محمد بارکزی وايي چې درې میاشتې کېږي چې افغان امنیتخواکونو ارزگان ولایت کې د وسله‌والو طالبانو د خپلو په هدف عملیات پیل کړي خو لا اوس هم وسله وال طالبان د ترینکوټنار په یو کیلو متر کې شتون لري او امنیتخواکونه په دې نه‌دي توانیدلي چې شاوخوا سیمې له وسله‌والو طالبانو تصفیه کړي.

بناغلي بارکزی زیاته کړه:

"د ارزگان خلگ په ډېرو سختو شرایطو کې شپې - ورځې تېروي هره ورځ موږ پولیس له لاسه ورکوو، د پولیسو مورال ورځ تر بلې ضعیفه کېږي."

په ورته وخت کې د افغانستان دفاع وزارت مسؤلین بیا په دغه ولایت کې د پرمختگ خبر ورکوي.

د دفاع وزارت ویاند جنرال دولت وزیري وايي چې دوی ارزگان کې د هر ډول بریدونو پر وړاندې چمتوالی لري.

نوموړی وايي، موږ د ارزگان امنیتي وضعیت په خپل لومړیتوبونو کې راوستی او زموږ عملیات اوس هم یاد ولایت کې روان دي.

بناغلی وزیري وايي:

"ارزگان کې موږ یوه لویه لېوا لرو چې په هغه کېږي قوت پروت دی، که بیا هم نورو خواکونو ته اړتیا شوه په کندهار کې د ۲۰۵ اتل قول اردو موجود دی له هغه ځایه یې ورته استوو."

بلخوا د مسؤلینو په خبره ارزگان چې له تېرو ۶ میاشتو راهیسې د ارزگان ولایت د ټولو ولسوالیو لارې له مرکز ترینکوټ سره د ترافیکو پرمخ وسله‌والو طالبانو ترلې دي.



فیسبوک نامه

رحمت الله بیگانه

مدیریت



دردمندانہ تملق، چاپلوسی و چرب‌زبانی، در ادارات دولتی افغانستان عام گردیده است. این کار یکی از شیوه‌های ماهرانه و زیرکانه‌ی است که آدم‌ها با به‌کارگیری آن، خود را در مسوولیت‌های مهم دولتی و غیردولتی و مدیریت‌ها حفظ می‌کنند. با وجود لاف و گزافه‌گویی‌ها، افغانستانی‌ها مغروراند و به کس سرخم نمی‌کنند، چه و چنان! اما عده‌ی استند، اگر شرم‌زمانه نباشد، حتا به زر و زور سجده خواهند کرد. قرار است تعدادی با به‌کارگیری این شیوه، دست صداقت و احترام را از پشت بسته کنند. امیدوارم گزافه نپندارید، همین متملقان و چرب‌زبانانند که اکثریت مشکلات را در راه پیشرفت ادارات خلق کرده‌اند. متأسفانه این چاپلوسان نزدیک به دربارها بوده و هر چیز خوب بدی که از دهن سرکار بیرون شود، بدون تحلیل و تجزیه و فکرکردن، بنا بر خصلت مزوم چرب‌زبانی «امنا و سلمنا» می‌گویند.

این یکی از بدترین خصلت آدم‌ها است. تعدادی زیادی از چوکی‌ها و مقام‌های دولتی، مدت‌های طولانی است که در اختیار این‌گونه افراد قرار دارد، آنان با همین شیوه و مدیریت چاپلوسانه، خود را با چنگ و دندان، در چوکی‌های مهم نگه‌داشته و در ادارات فرمان می‌رانند. به‌صورت طبیعی این‌گونه افراد، برای این‌که خلای شخصیتی و مدیریتی‌شان هویدا نشود، در اداره‌های زیر فرمان خود از استبداد و خشونت کار می‌گیرند. با اضافه این‌که، تعدادی از وزرا و مدیران عالی‌رتبه، متأسفانه دستیار و همکار نیاز ندارند، بلکه چاپلوس و دست‌بوس می‌خواهند.

با وجود پیشرفت در بخش‌های اداری کشور، متأسفانه تا کنون معیارهای لازم و خوبی در زمینه جذب افراد کارآگاه و مدیر وجود ندارد. معمولاً در استخدام‌های که توسط اداره خدمات ملکی راه‌اندازی می‌شود، از کاندیدا به جای طرح، برنامه، ابتکار، فهم و درایت، چند تا تعریف را می‌پرسند و بس! معنی این کار این است، کسی که حافظه خوب داشت و چند پرسش اداری و مسلکی را جواب داد، به پست‌های بلند خواهد رسید.

به باور من، این راهکار و روش، در مورد استخدام کارمندان عالی‌رتبه اشتباهی بیش نیست! کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی و وزارت‌های مربوط، در یک هماهنگی لازم، باید از کاندیداها، برنامه عمل، مدیریت پویا، ابتکار، خلاقیت، تجربه، دانش، نقشه راهبردی، طرح درازمدت (استراتژی) بخواهند. در این صورت است که ادارات ملکی افغانستان، می‌توانند صاحب ظرفیت‌های بلند، مدیر، کارفهم و توانا گردند.

جلیل تجلیل



به دلیل بسته شدن مرزهای پاکستان به روی افغانستان، بهای میوه، سبزه و سایر چیزهای که از پاکستان وارد افغانستان می‌شد، به شدت افزایش یافته است. از یک طرف مرز و مسدود بودن راه و از طرف دیگر، تاجران بی‌انصاف فرصت را غنیمت شمرده و به جان شهروندان قصاب شده‌اند. قبلاً دو کیلو مالته را در حول‌وهوش سی الا پنجاه افغانی می‌خریدم و اکنون آن را کمتر از صد افغانی نمی‌توان یافت. بادنجان رومی را که قبلاً یک جعبه و کریت آن را به چهار و الا چهارصد و پنجاه افغانی می‌خریدیم، اکنون از مرز یک هزار افغانی هم گذشته است.

چیزی که متأسفانه در این میان وجود ندارد، همان نظارت، برنامه برای جایگزینی و تبدیل تجارتنی و همچنان حمایت از تولیدات داخلی است. این‌گونه مسایل دست را به دست هم داده و سرانجام از بازار و تجارت تصویری را بیرون می‌دهد که چیزی جز قاپیدن و چورکردن نمانده است. اگر حکومت درصدد حل دائمی این‌گونه مسایل است، ضمن یافتن تبدیل تجاری، حمایت از تولیدات داخلی و سرمایه‌گذاری در این خصوص را در اولویت کار خود قرار دهد.

میرویس آریا



گشنه پُرزوری
وقتی تنش می‌بینم میان پاکستان و افغانستان رخ می‌دهد، شمار زیادی از ماها که پشت دیوارهای بلند سنگی و دفاتر مشغن نشسته‌ایم، شعار قطع روابط با پاکستان را می‌دهیم. چندبار هم کارزار تحریم اموال و اجناس پاکستانی را هم راه انداختیم. حدودی یک و نیم سال پیش که من هم در حصار از دیوارهای بلند سنگی سیم خاردار گرفته شده کار می‌کردم، دنیا برایم خیر و خیریت بود و در کارزار تحریم اجناس پاکستانی فعالانه نقش بازی کردم.

اما امروز که جز دکانداران شهر هستم، قضیه برایم کاملاً متفاوت است. در این چند روز که راه پاکستان بسته شده است، نرخ بادنجان رومی، پیاز، کچالو، گشنیز، نعنا، گندنه، گوشت، روغن و نمک چند برابر شده است. البته این‌ها فقط چیزهای هستند که من با خرید و فروش آن سر و کار دارم. شاید عمق فاجعه بیشتر از این نیز باشد. اصلاً باورم نمی‌شد که ما حتا بادنجان رومی و گندنه را نیز از جای دیگری وارد کنیم. امروز وقتی این وضعیت را دیدم، به شعارهای میان‌خالی قبلی‌ام شرم می‌خورم. با حرافی و شعارهای عوام‌فریبانه نمی‌توان چیزی از وابسته‌گی‌های شرم‌آور ما کم کنیم. هر که مرد است و غیرت دارد، پرود خودش را از وابسته‌گی توریید بادنجان رومی و گندنه برهاند. با حلواحلوا گفتن دهن شیرین نمی‌شود؛ ما به صورت شرم‌آوری وابسته به پاکستان و ایران و دیگر کشورها هستیم. قطع رابطه و تحریم تا زمانی ممکن نیست که ما خودکفا نشویم. حالا این‌جا هم شماری خواهند آمد تا غنی و عبدالله را دشنام دهند و تقصیر هر چیز را به گردن‌شان حواله کنند، اما مقصر این وضعیت، ما به صورت جمعی هستیم. تاجران ما میلیون‌ها دالر را روی رستوران‌های مجلل عروسی که جز تباهی اقتصادی برای جامعه، ارمانی دیگری ندارد به مصرف می‌رسانند. مخترعان؟ و مکتشفان ما هر روز طیاره بدون سرنشین می‌سازند تا پنج هزار سال بعد با شرکت بوئینگ و ایربیس رقابت کنیم. برای ما دیگر هوش عروسی نسازید و طیاره بدون سرنشین هم اختراع نکنید. برای ما مزرعه بادنجان رومی و گندنه بسازید، برای ما ماشینی بسازید و یا شیوه را کشف کنید که حاصلات زمین را آسان‌تر و بیشتر کند. بعد مقاطعه‌کردن با پاکستان آسان‌تر می‌شود.

محاكمه مرسى و رهبران اخوان المسلمین از سر گرفته شد

محاكمه محمد مرسى، رئيس جمهورى برکنار شده مصر و ۲۵ تن از رهبران اخوان المسلمین دیروز (یک‌شنبه) از سر گرفته شد. دادگاه جنایی قاهره دیروز به ریاست محمد شیرین فهمی، نخستین جلسه از سرگیری محاكمه محمد مرسى و ۲۵ تن دیگر از رهبران اخوان المسلمین را در خصوص پرونده «یورش به چند زندان» در انقلاب ۲۵ جنوری برگزار می‌کند.

دیوان عالی کشور مصر نوامبر سال گذشته گذشته، درخواست تجدیدنظر درباره احکام صادر شده درباره متهمان پرونده حمله به چند زندان در انقلاب ۲۵ جنوری مصر را پذیرفت و قرار شد این افراد مجدداً محاكمه شوند.

این پرونده مربوط به انقلاب ۲۵ جنوری سال ۲۰۱۱ است که طی آن به زندان وادی نظرون و تأسیسات امنیتی مصر یورش برده شد.

ترامپ در جشن سالانه خبرنگاران کاخ سفید شرکت نمی‌کند

رئیس‌جمهوری امریکا اعلام کرد، در جشن سالانه خبرنگاران کاخ سفید شرکت نخواهد کرد. این مراسم پُرزورق و برق عموماً با حضور روزنامه‌نگاران، سیاستمداران و چهره‌های مشهور دیگر و اغلب روسای جمهوری امریکا برگزار می‌شود.

دونالد ترامپ، پس از آنکه کاخ سفید چندین روزنامه و رسانه را از حضور در یک کنفرانس خبری خود محروم کرد، گفته است که در این مراسم شرکت نمی‌کند. رئیس‌جمهوری امریکا این موضوع را نیز بسیاری از موضع‌گیری‌های دیگرش در حساب توئیتر خود اعلام کرده است.

تمام روسای جمهوری امریکا از سال ۱۹۲۴ دست‌کم یک‌بار در مراسم جشن سالانه خبرنگاران کاخ سفید شرکت کرده‌اند. معمولاً روسای جمهوری امریکا در سخنرانی آمیخته به طنز خود در این مراسم به مسایل حساس سال می‌پردازند.

باراک اوباما هر هشت سال ریاست‌جمهوری خود در این مراسم شرکت کرد. در جشن سال ۲۰۱۱، اوباما خطاب به دونالد ترامپ که در میان مهمانان بود، گفت، اگر او به ریاست‌جمهوری انتخاب شود، کاخ سفید را به قمارخانه تبدیل خواهد کرد.

انجمن خبرنگاران کاخ سفید در بیانیه‌ی اعلام کرد، از موضع رئیس‌جمهوری مطلع شده و امسال هم با برگزاری مراسم بابت آزادی بیان در امریکا و نقش مهم رسانه‌های خبری مستقل در یک جمهوری جشن خواهد گرفت.

پیش از این، کاخ سفید بدون ارایه هرگونه توضیح به برخی از رسانه‌های بزرگ اجازه پوشش نشست خبری روزانه‌اش را نداد. به نوشته روزنامه ایندیپندنت، شون اسپایسر، سخنگوی کاخ سفید روز جمعه تنها به برخی رسانه‌های دست چین شده اجازه داد تا در نشست خبری با خبرنگاران شرکت کنند؛ نشستی که به جای آنکه در سالون رسانه‌های جیمز اس بردی برگزار شود، در ساختمان دفتر اجرایی موسوم به «بال غربی» برگزار شد.

رسانه‌هایی که از پوشش دادن این نشست خبری منع شدند، شامل رسانه‌هایی هستند که دونالد ترامپ، به اسم از آن‌ها انتقاد کرده است. سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، نیویورک تایمز، لس آنجلس تایمز، روزنامه نیویورک، بازفید، پایگاه خبری هیل و روزنامه دیلی میل از جمله رسانه‌ها و مطبوعاتی بودند که از شرکت در این نشست منع شدند.

ابراز خرسندی ترکیه از پایان دوران اختلاف با امریکا

معاون نخست‌وزیر ترکیه از همکاری با دولت جدید دونالد ترامپ درباره مسایل مربوط به تروریسم و استرداد فتح‌الله گولن، (روحانی در تبعید و مخالف دولت ترکیه) و نقش حزب اتحاد دموکراتیک سوریه استقبال کرد.

نومان کورتولموش، معاون نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرد: انقره شاهد نشانه‌های مثبت از سوی دولت جدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا درباره مسایلی چون استرداد گولن به ترکیه است. او ادامه داد: ما اکنون شاهد به ثمر رسیدن تلاش‌های خود هستیم. دست‌کم دیگر «بی‌تفاوتی» موجود در دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین امریکا را پشت سر گذاشته‌ایم. کورتولموش اضافه کرد: ما از این رویکرد جدید امریکا استقبال می‌کنیم و امیدواریم که به نتایج خوبی دست یابیم. او درباره مبارزه با تروریسم گفت: امریکا باید تصمیم بگیرد که آیا با یک گروه تروریستی با جمعیت سه هزار تا پنج هزار نفری می‌خواهد همکاری کند و یا خواهان همکاری با ترکیه بانیات از نظر اقتصادی و سیاسی و با جمعیت ۸۰ میلیونی است. آن‌ها باید در این باره تصمیم بگیرند. براساس شواهد موجود، آن‌ها بیشتر با ما موافق هستند.

همکاری امریکا با نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک کرد سوریه مورد انتقاد شدید مقامات انقره قرار گرفته است. ترکیه بر این باور است که حزب اتحاد دموکراتیک سوریه و یگان‌های مدافع خلق (شاخه نظامی این حزب) وابسته به پ.ک.ک هستند.



رییس اجرایی:

دست تخریب‌گران

ورزش افغانستان کوتاه می‌شود



مقامات حکومت در واکنش به تحریم انتخابات فدراسیون فوتبال کشور از سوی فیفا واکنش نشان دادند و اعلام کردند که از ورزش کشور حمایت خواهند کرد.

دبیرکل فدراسیون فوتبال افغانستان می‌گوید، به دلیل دخالت برخی از اعضای مجلس نماینده‌گان در امور انتخابات فدراسیون فوتبال، فیفا با تصمیم برگزاری انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال افغانستان مخالفت کرده است. مقامات افغانستانی در واکنش به تحریم فوتبال کشور از سوی فیفا اعلام کردند که از ورزش کشور حمایت خواهند کرد.

احمد ضیا مسعود، نماینده ویژه رییس‌جمهور غنی در امور اصلاحات و حکومت‌داری خوب در این رابطه گفته است: ورزش و فوتبال را به حال خودش رها کنید تا مسیر طبیعی خودش را سپری و مطابق به اساسنامه خودش و فیفا عمل کند.

آقای مسعود در رابطه با مداخلات غیرقانونی و سیاسی در فدراسیون فوتبال افغانستان اظهار داشت: اگر ورزش را سیاسی کرده و مسایل قومی را وارد آن کنیم، آنگاه ورزش از بین خواهد رفت.

مسعود گفت: "به هیچ‌یک از نهادها اجازه نخواهد دادیم تا فوتبال و ورزش افغانستان را به بحران بکشانند."

نماینده ویژه رییس‌جمهور در امور حکومت‌داری خوب افزود: بعضی از افراد و اشخاص که خودسرانه عمل می‌کنند، نمی‌توانند ورزش و فوتبال افغانستان را تخریب کنند و ما این اجازه را به آنان نمی‌دهیم. دولت وحدت ملی پشتیبان ورزش است.

از سویی هم، دکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی در این رابطه گفته است: کسانی که بخواهند ورزش، به‌ویژه فوتبال کشور را تخریب و یا به چالش بکشند، دستشان کوتاه می‌شود.

فیفا مدعی شده که نماینده‌گان این کشور در امور انتخابات فوتبال دخالت و بنابراین، این انتخابات را تحریم کرده است.

کانتونا:

مورینیو این فصل بیش از یک جام می‌برد



اسطوره شیاطین سرخ از سرمربی پرتغالی حال حاضر این تیم برای کسب اولین جامش در اولدترافورد حمایت کرد.

در آستانه جدال تیم‌های فوتبال منچستر یونایتد و ساوتهمپتون در فینال جام اتحادیه فوتبال انگلیس، اریک کانتونا از ژوزه مورینیو، سرمربی شیاطین سرخ حمایت و ابراز امیدواری که آقای خاص با کسب پیروزی در این بازی، دوران افتخارآفرینی‌اش در اولدترافورد را آغاز کند.

کانتونا که خود در دوران بازیگری‌اش در منچستر یونایتد ۶ افتخار بزرگ کسب کرده است، به سایت باشگاه گفت: فکر می‌کنم که منچستر یونایتد این فصل بیش از یک جام می‌برد و اولین آن‌ها جام اتحادیه است. مورینیو یک قهرمان بوده که تا حالا جام‌های فراوانی کسب کرده است. او مربی بزرگی است. به نظر من منچستر یونایتد با هدایت او جام‌های زیادی خواهد برد.

کانتونا ادامه داد: اولین جام همیشه خیلی مهم است، البته در باشگاهی مانند منچستر یونایتد برای بردن جام همیشه فشار بیشتری وجود دارد و به همین دلیل وقتی این فشار برداشته می‌شود، کسب جام آسان‌تر می‌شود. البته وقتی جام اول را ببری هواداران انتظار بردن جام‌های بعدی را دارند با این حال مورینیو هیچ مشکلی برای تحمل این انتظارات و فشارها ندارد.

مهاجم فرانسوی سابق شیاطین سرخ تأکید کرد: مورینیو چند سال است که به این حرفه مشغول است. او مربی تیم‌های بزرگی بوده و با همه آن‌ها جام برده است. هر بار که او هدایت تیمی را برعهده گرفته، سطح بازی آن تیم بالا رفته است پس او این‌جا هم پیروز خواهد شد. منچستر یونایتد هم قهرمان می‌شود. نگران نباشید.

به باور کانتونا بازی منچستر یونایتد از زمانی که مورینیو سرمربی این تیم شده است، زیباتر و هیجان‌انگیزتر شده است.

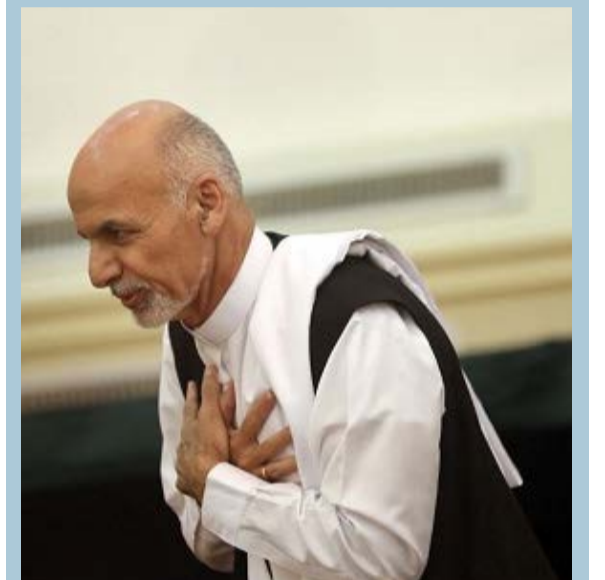
او عنوان کرد: فکر می‌کنم که من یونایتد حالا نسبت به گذشته هجومی‌تر بازی می‌کند و مورینیو هم سعی دارد انتظارات را برآورده کند. او آدمی باهوشی و شوخ طبع است، اما من قبل از این‌که او به من یونایتد بیاید هم همیشه این را می‌گفتم. مورینیو مربی است که تمام فشارها را به جان می‌خورد و فرقی نمی‌کند چه فشاری به او وارد می‌شود. او این کار را می‌کند تا بازیکنانش کمتر تحت فشار باشند و بتوانند از بازی‌شان لذت ببرند.

Mandegar

بازی جدید روسیه

در افغانستان

نامه سرگشاده نزد رییس جمهور شهروندان در جه یک و در جه دوم اند



جناب داکتر محمد اشرف غنی رییس جمهوری اسلامی افغانستان!

این موضوع قابل درک است که شما زمام امور را از زمانی به دست گرفتید که شکست و ریخت‌های زیادی در عرصه‌های مختلف در این کشور وجود داشت. ریشه فساد اداری نخشکیده و هنوز پایه‌های حاکمیت قانون لرزان بود؛ اما آنچه برای مردم افغانستان پس از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی و شروع کار شما به عنوان رییس جمهور امیدوار کننده بود، برنامه‌ها و شعارهای شما در دوره کمپاین انتخاباتی بود. یکی از شعارها و وعده‌هایی که به مردم افغانستان داده بودید و در هر بیانیه و سخنرانی‌های تان روی آن تأکید می‌ورزیدید همانا رفع تبعیض میان شهروندان کشور بود. همه به یاد داریم که شعار می‌دادید که نزد شما هیچ افغان از افغان دیگر برتری نداشته و شهروند درجه یک و درجه دوم وجود ندارد.

اما متأسفانه کارکردهای شما در این دو سال نشان داد که آن شعارها فقط در حد یک شعار باقی مانده حتی در جابجایی و مقررری‌ها در پست‌های بلند حکومتی عدالت اجتماعی رعایت نشده است.

همین حال ما و لایاتی داریم که در حکومت وزیر چه که حتی یک معین هم در وزارت‌ها ندارند؛ اما در مواردی دیده می‌شود که از یک خانواده دو معین در یک زمان در وزارت خانه مقرر و عملاً کار می‌کند. به طور مثال آقای زردشت شمس در پست معینیت مالی اداری و تروریزم وزارت اطلاعات و فرهنگ و برادرش اجمل شمس است که در وزارت شهر سازی به حیث معین کار می‌کند.

پرسش این است آیا در این کشور فحطالرجال است که از یک فامیل دو برادر معین می‌شوند یا این که دو برادر دارای مواصفات و ویژه‌گی‌هایی هستند که دیگر شهروندان در ولایات دیگر فاقد آن می‌باشند.

آقای رییس جمهور، ولایتی که نه وزیر دارد نه معین، آیا شهروندان آن تابعیت افغانستان را ندارند و در جغرافیای افغانستان زنده‌گی نمی‌کنند؟ در فراز و نشیب این کشور سهمیم نبودند و در مقابل تجاوز اجانب مثل مردم سایر ولایت‌ها مبارزه نکرده‌اند؟ آیا به جناب عالی رای نداده‌اند...؟

آیا جوانان تحصیل یافته‌شان به اندازه این دو برادر لیاقت ندارند که معین یک وزارت شوند؟

پس ثابت شد که نزد شما شهروند درجه یک و درجه دوم وجود داشته است.

با احترام
ابو ناهید.

نویسنده: نجیب شریفی، تحلیلگر مسائل سیاسی

منبع: سایت شبکه الجزیره

افزایش دوباره نفوذ روسیه در افغانستان همانند سیاست اتحاد جماهیر شوروی در حمله به افغانستان نیست بلکه اکنون مسکو با گروه‌های بسیار افراط گرایی متحد شده است که زمانی رهبران آنها در راستای شکست تهاجم طولانی شوروی در افغانستان تلاش می‌کردند.

در دسامبر سال ۲۰۱۶ مسکو ارتباطش را با طالبان گروهی که به دنبال سقوط دولت کابل است، اعلام کرد. در همین راستا سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد که اشتراک گذاری اطلاعات و همکاری با طالبان در راستای مبارزه با نیروهای داعش در افغانستان انجام می‌گیرد. مسکو بارها نگرانی خود را از حضور نیروهای داعش به ویژه با بزرگنمایی حضور و قدرت آنها در افغانستان اظهار کرده است.

این در حالی است که دولت افغانستان اعلام کرده که روسیه به طالبان سلاح می‌فرستد اما مقامات مسکو این اتهامات را رد کرده‌اند.

در حال حاضر موضع روسیه در قبال افغانستان نشان می‌دهد که این کشور فصل جدیدی را باز کرده است که می‌توان آن را بازی جدید در قلب آسیا با حضور چند بازیگر از جمله روسیه، آمریکا، چین، هند، پاکستان و دیگران دانست.

اما اقدامات دیپلماتیک روسیه از یک سو و از سوی دیگر حمایت این کشور از طالبان بسیاری را درباره نیت مسکو در قبال افغانستان دچار سردرگمی کرده است.

ایده‌های توسعه طلبانه

نفوذ روسیه به افغانستان می‌تواند به عنوان بخشی از ایده‌های توسعه طلبانه ولادیمیر پوتین برای حفظ موقعیت روسیه به عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیکی باشد.

پوتین از زمان بر سر کار آمدن در سال ۱۹۹۹ به دنبال یک سیاست مداخله جویانه از طریق درگیری‌های مسلحانه، حملات سایبری و جنگ‌های تبلیغاتی بوده است.

پوتین به شکل موفقیت آمیزی توانسته این جنگ‌ها را برای ارتقای جایگاه روسیه در معاملات سیاسی و بین‌المللی افزایش دهد. اما اکنون سوال این است روسیه در افغانستان چه می‌خواهد؟ به نظر می‌رسد روسیه به دنبال اهداف مختلفی است.

مسکو با اتحاد خود با طالبان می‌خواهد توانایی چانه زنی خود را در معاملات خارجی با واشنگتن افزایش دهد. همچنین ناامنی و بی‌ثباتی در افغانستان در حال افزایش است که این مساله به طور مستقیم ادامه حضور دولت افغانستان

مورد حمایت آمریکا را تهدید کرده و خطر

بزرگی برای آمریکا و ناتو در این کشور ایجاد می‌کند.

در محاسبات روسیه تهدید علیه ماموریت ناتو و آمریکا در افغانستان و متزلزل کردن جایگاه آنها می‌تواند بهترین فرصت برای کاهش فشار آمریکا بر روسیه به خصوص درباره مساله کریمه و تسهیل تحلیل‌های آمریکایی علیه این کشور باشد.

ایجاد مشروعیت به نظر می‌رسد روسیه تلاش می‌کند که امتیازهای بیشتری را برای سهمیم شدن در آینده افغانستان جمع می‌کند. یکی از انگیزه‌های اصلی این امر این است که در گذشته روسیه در بسیاری از مباحث مهم افغانستان حذف شده بود.

روسیه با حمایت از طالبان خود را برای مدیریت چشم انداز سیاسی جهان و ایجاد



دولت آتی افغانستان در صورت سقوط دولت کنونی آماده می‌کند.

مسکو با افزایش تهدید داعش نه تنها تلاش می‌کند برای همکاری خود با طالبان مشروعیت ایجاد کند بلکه ممکن است آنها بخواهند حضور نظامی و نفوذ سیاسی خود را در آسیای مرکزی توجیه کنند.

در حالی که کشورهای آسیای مرکزی تحت نفوذ رو به افزایش اقتصادی چین قرار گرفته‌اند روسیه احساس می‌کند که دیگر نقش هژمونیک خود را از دست داده است. افزایش حضور نظامی روسیه باعث تقویت نقش سیاسی روسیه در منطقه آسیای مرکزی و گسترش وابستگی امنیتی این منطقه به روسیه می‌شود.

همچنین به نظر می‌رسد که در پشت پرده این بازی جدید روسیه انگیزه‌های

اقتصادی وجود داشته باشد. جمهوری‌های آسیای مرکزی دارای غنی‌ترین ذخایر طبیعی و نفتی در کل منطقه هستند. رهبران این جمهوری‌ها به دنبال یافتن بازارهای جدید به خصوص در منطقه جنوب آسیا که تشنه انرژی است، می‌گردند.

بر همین اساس افغانستان کوتاه‌ترین مسیر برای گاز طبیعی آسیای مرکزی به جنوب آسیاست. اتحاد با طالبان روسیه را قادر می‌سازد که گاز کشورهای آسیای مرکزی را به آسیای جنوبی ببرد و بدین شکل آنها را وابسته خود کند.

شکی وجود ندارد که روسیه نگرانی‌های مشروعی درباره رشد افراط گرایی در منطقه دارد زیرا تعداد قابل توجهی از نیروهای داعش از کشورهای آسیای



مرکزی می‌آیند. این در حالی است که روسیه آنها را حیاط خلوت امنیتی خود تلقی می‌کند. اما حمایت از یک گروه تروریستی برای شکست گروه تروریستی دیگر نمی‌تواند یک استراتژی ژئوپلیتیکی پایدار باشد. به خصوص در چشم انداز پیچیده افغانستان که تاریخ نشان داده است بسیاری از محاسبات نظامی و سیاسی در این کشور غلط از آب درآمده است.

بهترین رویکرد همکاری با دولت افغانستان و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با افراط گرایی در منطقه است. همکاری با یک گروه غیرقابل پیش بینی و خطرناک تنها می‌تواند همانند بمبی باشد که هر لحظه ممکن است، منفجر شود.